

آرایه های ادبی دوره ی اول دبیرستان در یک نگاه کلی

1- تشخیص (جان بخشی به اشیا - انسان نمایی)

نسبت دادن اعمال و رفتار انسانی به غیر انسان را گویند.

مثال : برق از شوق که می خندد بدین سان قاه قاه ← عمل خندیدن که رفتاری انسانی است به برق نسبت داده شده است.

مثال : شبنم از روی برگ گل برخاست / گفت: می خواهم آفتاب شوم ← بلندشدن و حرف زدن شبنم

مثال: سرزنش ها گر کند خار مگیلان غم مخور ← سرزنش کردن خار مگیلان

2- واج آرایی (نغمه ی حروف)

هرگاه یک حرف یا حرکت چندین بار در نوشته ای بیاید (تکرار یک واج صامت یا مصوت).

مثال : آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار (واج آرایی د).

مثال: کشور ما همواره سرزمین سپند فرّ و فروغ و فرزانی و فرهیختگی بوده است (واج آرایی ف)

3- تضاد (طباق)

هرگاه دو کلمه از نظر معنی مخالف و ضد هم باشند.

مثال : آنچه در برّ و بحر است از انواع حیوانات ← برّ و بحر تضاد

مثال: از ظلمت خود رهایی ام ده/ با نور خود آشنایی ام ده ← ظلمت و نور تضاد

مثال: عزت از خواری نشناخته ای / عمر در خارکشی باخته ای ← عزت و خواری تضاد

4- مراعات نظیر (شبکه ی معنایی، تناسب)

هر گاه دو یا چند کلمه در بیت یا نوشته ای بیابند و نسبتی با هم داشته باشند این نسبت می تواند از نظر جنس، مکان، زمان و ... باشد.

مثال : با چشم ادب نگر پدر را / از گفته ی او مپیچ سر را (سر-چشم ← مراعات نظیر * چشم-نگر ← مراعات نظیر).

مثال: کای فلان چاشت بده یا شامم/ نان و آبی که خورم و آشامم(چاشت.شام.نان.آب←مراعات نظیر)

مثال: نیت من در نماز و در دعا / ترس بود و وحشت از خشم خدا(ترس،وحشت،خشم←مراعات نظیر)

5- تشبیه

مانند کردن چیزی به یک چیز دیگر . هر تشبیه دارای چهار رکن است.

- مشبه : کلمه ای که قصد تشبیه کردن آن را داریم.
- مشبه به : همان چیزی که مشبه به آن تشبیه می شود.
- ادات تشبیه : کلمه ای که مشبه و مشبه به را به هم می پیوندد.(همچون ، چون، مانند، مثل، بسان و ...)
- وجه شبه : ویژگی یا ویژگی های مشترک بین مشبه و مشبه به.

مثال : مادر مانند آب ، پاک و زلال است.

مادر ← مشبه ، مانند ← ادات تشبیه ، آب ← مشبه به ، پاک و زلال ← وجه شبه .

6- اضافه ی تشبیهی

گونه ای از تشبیه است. این نوع تشبیه در واقع به شکل یک ترکیب اضافی می آید.

(_____+_____، _____+_____) در اضافه ی تشبیهی فقط مشبه و مشبه به می آید و معمولا جای آن

در ترکیب اضافی عوض می شود. یعنی ابتدا مشبه به و سپس مشبه می آید. برای یافتن مشبه به باید

به این نکته توجه داشت که معمولا مشبه به یک چیز دیدنی و ملموس است.

مثال : دفترِ عشق ← عشق به دفتر تشبیه شده است.

مثال: ای هدهد صبا به سبا می فرستمت. (هدهدصبا ← اضافه تشبیهی. صبا: مشبه - هدهد: مشبه به)

کزو گرم است بازارِ محبت ← بازار: مشبه به / محبت : مشبه

گاهی اول مشبه و سپس مشبه به می آید. مانند: قدِ سرو که در آن قد مشبه و سرو مشبه به است.

7- کنایه

در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و هر گاه عبارتی در دو معنای دور و نزدیک به ذهن به

کار رود و مقصود ما معنای دور باشد به آن کنایه گویند. بسیاری از ضرب المثل ها به نوعی کنایه اند.

مثال: یکی را به سر بر نهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

*تاج بر سر نهادن ← معنای نزدیک : تاج را روی سر قرار دادن

معنای دور : گرامی و بزرگ داشتن

* یکی را به خاک اندر آرد ز تخت ← نزدیک : یکی را از تخت بر روی خاک انداختن

دور : کوچک و پست شمردن

8- مبالغه (اغراق ، بزرگ نمایی)

اگر هنگام توصیف کسی یا چیزی زیاده روی کنیم و آن را بسیار بزرگ تر از آنچه هست بیان کنیم

به آن اغراق یا مبالغه گوئیم . مبالغه یعنی بزرگنمایی

مثال : شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب ← اغراق در توصیف افراسیاب

مثال : خون میان سنگر آزادگان جوشید (جوشیدن خون ← کنایه از خشمگین شدن و بزرگنمایی و

اغراق)

مثال : یک روز از آسمان آتش بارید (باریدن آتش ← مبالغه یا بزرگنمایی)

9- سجع

در لغت به معنی آواز کبوتر است و در اصطلاح ادبی به واژه های پایانی دو یا چند جمله می گویند که در حرف و حرکت آخر مشترک باشند. سجع مانند قافیه در شعر است و به نثری که در آن سجع به کار رفته باشد نثر مسجع گویند.

مثال : فرزندان در پرتو گرم و گوارای مادر ، جان می گیرند و می پرورند و می بالند. (می گیرند، می پرورند و می بالند ← سجع)

مثال : آنچه را نباید ، دل بستگی نشاید. (نپایید و نشاید ← سجع)

مثال: حکیمی گفته است: افسوس که جوان نمی داند و پیر نمی تواند(نمی داند و نمی تواند←سجع)

10- تلمیح

در لغت به معنای با گوشه ی چشم اشاره کردن است و در اصطلاح ادبی آن است که در میانه ی سخنی به آیه، حدیث، داستان، واقعه یا مَثَل و شعری معروف اشاره کنیم.

مثال : گلستان کند آتشی بر خلیل (اشاره به داستان حضرت ابراهیم)

مثال : گروهی به آتش بَرَد ز آب نیل (اشاره به داستان حضرت موسی)

مثال: ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راهنمایی

(مصرع اول اشاره با آیه ← الحمد لله رب العالمین - مصرع دوم اشاره به آیه ←اهدنا الصراط المستقیم)

11- جناس

آوردن دو یا چند کلمه است که دقیقاً یا تقریباً در نوشتار به یک صورت باشد اما معانی آن ها متفاوت باشد. جناس بر دو نوع است:

- **جناس تام :** اگر دو کلمه دقیقاً مثل هم باشند ولی معنایشان با هم فرق کند جناس تام گویند.

مثال : در پيله تا به کی بر خویشتن تنی / در بسته تا به کی در محبس تنی (تنی با تنی جناس تام دارد در مصراع اول به معنای می بافی و در مصراع دوم به معنای جسم خود می باشد).

مثال : بهرام که گور می گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت (گور با گور جناس تام دارد گور اول به معنای گورخر و گور دوم به معنای قبر می باشد.)

• **جناس ناقص :** که خود بر سه نوع است:

➤ **جناس ناقص حرکتی:**

اگر دو کلمه فقط در مصوت کوتاه (َ) با هم فرق کند . مانند : (مَلِك و مُلْك)
و (گُل و گِل) و (دَر و دُر)

➤ **جناس ناقص اختلافی :**

اگر دو کلمه فقط در یک حرف با هم فرق کنند
مانند: بامدادی که تفاوت نکنند لیل و نهار/خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
(نهار و بهار جناس ناقص اختلافی دارند.)
او خدو انداخت بر روی علی / افتخار هر نبی و هر ولی (علی و ولی جناس ناقص اختلافی دارند.)

➤ **جناس ناقص افزایشی:**

اگر یکی از دو کلمه فقط یک حرف از دیگری بیشتر داشته باشد.
مثال : خبرت هست که مرغان سحر می گویند/ آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار (سَحَر و سَر)
مثال: حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار/ تا بود وردت دعا و درس قرآن غم نخور (تار، تا) و (در ، درس)

12-تضمین

آوردن مصراع یا بیتی از شاعر دیگر در شعر خود یا آوردن آیه یا حدیثی در میان سخن و کلام خود را گویند . (در تلمیح شاعر اشاره به حدیث یا آیه می کند ولی در تضمین عین آیه یا حدیث یا شعر ذکر می شود.)

مثال:

چه خوش گفت فردوسی پاک زاد که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
بیت دوم را سعدی در میان شعر خود ، از فردوسی ذکر کرده است.

13- تکرار

اگر دو یا چند واژه را که از نظر ظاهر و معنی کاملاً یکسان است در شعر یا نوشته به کار ببریم به آن تکرار گویند.

مثال : تا توانی می گریز از یار بد / یار بد بدتر بود از مار بد (یار بد دوبار آمده است و تکرار است)

مثال: همی دانه و خوشه خروار شد/ ز آغاز هر خوشه خروار نیست(خوشه و خروار ← تکرار)

مثال: زود می گفتند: این کار خداست/ پرس و جواز کار او کاری خطاست(کار ← تکرار)

14- مجاز

به کار بردن واژه در معنایی غیر حقیقی به شرط آنکه میان معنای حقیقی و غیر حقیقی پیوند و ارتباطی برقرار باشد.

مثال : ای دل غم دیده حالت به شود دل بد مکن / وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور (دل

مجاز از شاعر یا هر انسان دیگر و سر مجاز از فکر و خیال)

مثال: خدای ما دوباره سنگ و چوب شد، نیامدی(سنگ و چوب ← مجاز از بت ها)

مثال: نان آبی خورم و آشامم(نان و آب ← مجاز از غذا)

مثال: آل احمد همه عطشان از بزرگ و کوچک / نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه

(بزرگ و کوچک ← مجاز از همه اهل بیت امام حسین(ع))

اصطلاحات ادبی

بیت: به هر دو مصراع یک بیت می گویند.

مصراع: کوچک ترن سخن موزون را یک مصراع می گویند. در واقع مصراع نیمی از یک بیت است.

مثال:

{ای نام تو بهترین سر آغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز}
مصراع	مصراع

قافیه: به کلماتی می گویند که در پایان مصراع ها می آیند و حروف و حرکت پایانی آن ها یکی است.

مثال: راستی را کس نمیداند که در فصل بهار / از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار

قافیه

قافیه

ردیف: در صورتیکه یک یا چند کلمه عیناً و بدون تغییر در شکل و معنا در آخر هر بیت و پس از قافیه تکرار شده باشد ردیف نام دارد.

مثال: دوستی از من به من نزدیک تر / از رگ گردن به من نزدیک تر

ردیف

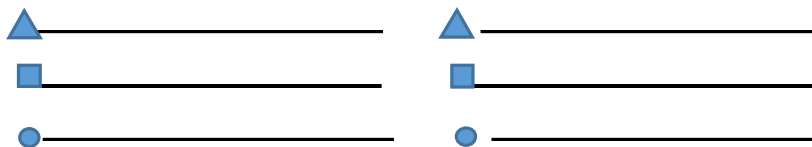
ردیف

تخلص: نام و شهرت شعری شاعر را تخلص می گویند.

مثال: سعدیا راست روان گوی سعادت بردند

مثال: حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار/ تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

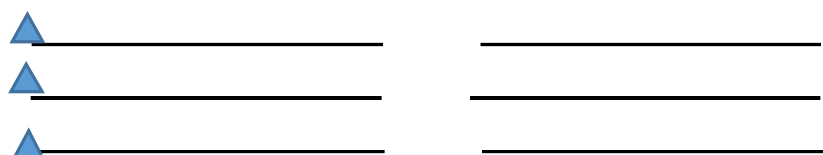
3- مثنوی: شعری است که هر بیت آن قافیه ای جداگانه دارد.



در سرودن مثنوی هیچ گاه با کمبود قافیه روبرو نیستیم، به همین خاطر مناسب ترین قالب برای بیان داستان های بلند منظوم است.

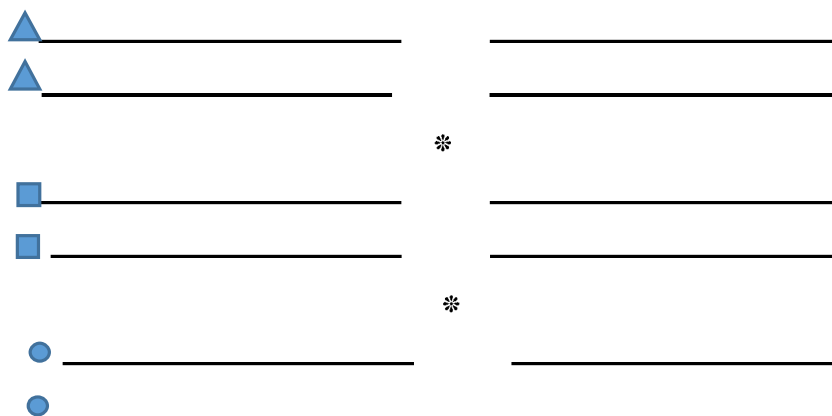
موضوع مثنوی: حماسی و تاریخی مثل شاهنامه ی فردوسی ، اخلاقی و تعلیمی مثل بوستان سعدی ، عاشقانه و بزمی مثل خسرو و شیرین ، نظامی و عارفانه مثل مثنوی مولوی

4- قطعه: شعری است که مصراع های دوم آن با هم هم قافیه است.



موضوع قطعه : مطالب اخلاقی و تعلیمی ، پند و نصیحت

5- چهار پاره (دوبیتی نو): قالب شعری است که ترکیبی است از چند قسمت دوبیتی که هر دو بیت قافیه ای جداگانه دارند.



موضوع چهار پاره معمولاً مسایل اجتماعی است.

6- دوبیتی: به شعری گفته می شود که 4 مصراع دارد.



البته گاهی مصراع سوم هم قافیه دارد.

7- رباعی: شکل قرار گرفتن قافیه همانند دوبیتی است.

راه تشخیص دوبیتی از رباعی: کافی است کلمه ی اول مصراع اول را همانند دوره ی ابتدایی بخش بخش کنیم. اگر بتوانیم صدای بخش اول آن را با یک حرف نشان دهیم، دوبیتی است و اگر با دو حرف نشان دهیم رباعی است.

مثال: ز دست دیده و دل هر دو فریاد ← ز ← دوبیتی
کفر چو منی گزاف و آسان نبود ← کُفَر ← رباعی

8- شعر نو (نیمایی): شعری است که طول مصراع های آن یکسان نیست (کوتاه و بلند است) و

قافیه در آن جای مشخص و معینی ندارد.

موضوع شعر نیمایی: عشق، سیاست، اجتماع و ... است.

